



تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

صفحه ۳۴ تا ۶۴

درس آموخته‌های دفاع مقدس چهل روزه و شناسایی ابعاد راهبردی موثر در کاهش تهدیدات امنیتی متخاصمان

علیرضا عین‌القضاتی^۱، سعید محمد نژاد^۲

چکیده

دفاع مقدس چهل روزه ایران، در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۶، نقطه عطف تحولات امنیتی در غرب آسیا و بازتاب تغییرات بنیادین در ماهیت تهدیدات امنیتی معاصر و رقابت‌های ژئوپلیتیکی بوده است. هر چند شیوه نبرد آمریکا کارساز نبوده اما لازمه پی بردن به شکست‌های مکرر آن نیازمند درک دقیق از نقض اقدامات و رویکرد امنیتی آمریکاست. علیرغم موفقیت‌های تاکتیکی آمریکا و رژیم صهیونیستی، جنگ با ایران بزرگترین شکست فاجعه‌بار راهبردی و بزرگترین اشتباه سیاست خارجی ایالات متحده شد و انتخاب ابزارها پیش از تعریف اهداف راهبردی امنیتی محکوم به شکست و بن‌بست شد. بنابراین برای کاهش تهدیدات امنیتی این متخاصمان، درس آموخته‌های دفاع مقدس سوم و شناسایی ابعاد راهبردی آن در کاهش تهدیدات امنیتی بسیار ضروری است. فلذا در این مقاله سعی شد تا همه ابعاد اصلی بازدارندگی که نتیجه جنگ را تغییر داد شناسایی و معرفی شوند و در این میان ۶ بعد اصلی یعنی «دفاع موزاییکی و نامتقارن، دیپلماسی منطقه‌ای فعال با چین و روسیه، تقویت سامانه‌های پدافندی و دفاع هوشمند، تقویت و حمایت از محور مقاومت، کارت متوازن کننده تنگه هرمز و فناوری شناختی در دستکاری ادراک مخاطبان» معرفی شدند که ایران، با بهره‌گیری از آنها توانست بازدارندگی لازم را ایجاد کند و نتایج این تحقیق علاوه بر تبیین هر یک از ابعاد کلیدی، به سیاست‌گذاران و پژوهشگران کمک می‌کند تا راهکارهای مناسبی را برای مدیریت تهدیدات امنیتی جدید ارایه دهد.

واژگان کلیدی: بازدارندگی راهبردی، دفاع موزاییکی و نامتقارن، جنگ ایران و ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، دیپلماسی منطقه‌ای، محور مقاومت، تنگه هرمز، جنگ شناختی.

۱. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی و (نویسنده مسئول) einolghozati1354alireza@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه دفاع ملی sinasaeid12@gmail.com



Lessons Learned from the Forty-Day Sacred Defense and Identifying Effective Strategic Dimensions for Reducing the Security Threats of Adversaries

Alireza Einolghozati¹ Saeid Mohammadnejad²

Abstract

The forty-day Sacred Defense of Iran against the United States and the Zionist regime in 2026 marked a turning point in West Asian security dynamics and reflected fundamental changes in the security nature of contemporary threats and geopolitical rivalries. Although the U.S. method of warfare proved ineffective, understanding its repeated failures requires a precise grasp of the violations of U.S. security measures and approaches. Despite tactical successes by the United States and the Zionist regime, the war with Iran became the greatest catastrophic strategic defeat and the biggest foreign policy mistake of the United States, where choosing means before defining security strategic goals was doomed to failure and deadlock. Therefore, to mitigate the security threats posed by these belligerents, the lessons learned from the third Sacred Defense and the identification of its strategic dimensions are essential for reducing security threats. Hence, this article attempts to identify and introduce all the main dimensions of deterrence that altered the outcome of the war. Among these, six key dimensions were introduced: “mosaic and asymmetric defense, active regional diplomacy with China and Russia, reinforcement of air defense systems and smart defense, strengthening and supporting the Axis of Resistance, the balancing card of the Strait of Hormuz, and cognitive technology in manipulating audience perception.” By leveraging these, Iran managed to establish the necessary deterrence. The findings of this research, in addition to explaining each of these key dimensions, help policymakers and researchers propose appropriate strategies for managing emerging security threats.

Keywords: Strategic Deterrence, Mosaic and Asymmetric Defense, War between Iran, the United States and the Zionist regime, Regional Diplomacy, Resistance Axis, the Strait of Hormuz, Cognitive Warfare

1. Assistant Professor, University and Institute of National Defense and Strategic Research, Islamic Republic of Iran.

2. PhD student at the University and Institute of National Defense and Strategic Research of the Islamic Republic of Iran (sinasaeid12@gmail.com). Corresponding author.



مقدمه

دفاع مقدس چهل روزه میان جمهوری اسلامی ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۶، نه تنها یک نقطه عطف در تحولات امنیتی خاورمیانه محسوب می‌شود، بلکه بازتابی از تغییرات بنیادین در ماهیت جنگ‌های معاصر و رقابت‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی در منطقه است. این درگیری، که با مداخله مستقیم ایالات متحده و تشدید تنش‌های فرامنطقه‌ای همراه شد، نشان‌دهنده ظهور الگوهای نوین در تقابل‌های نظامی و امنیتی است؛ الگوهایی که در آن‌ها جنگ سایبری، پهپادها، عملیات‌های اطلاعاتی و بازیگران نیابتی، جایگزین نبردهای سنتی شده‌اند. و به گفته سفیر پیشین آمریکا در ناتو آقای ایوو دالدر^۱ در مجله پولیتیکو، دیگر شیوه جنگیدن آمریکا کارساز نبود و ایالات متحده ممکن است که قدرتمندترین ارتش جهان را داشته باشد، اما شکست‌های مکرر منعکس‌کننده یک نقص عمیق‌تر در رویکرد امنیتی او در مناقشه نظامی است.^۲ و پروفیسور مرشایمر^۳ در ۲۵ مه ۲۰۲۶ در یک کلش ریپورت اذعان داشت که تصمیم به حمله به ایران در ۲۸ فوریه بزرگترین اشتباه سیاست خارجی آمریکا خواهد بود.

در این جنگ، ایران به عنوان یک بازیگر کلیدی با چالش‌های جدی در برنامه هسته‌ای و توان دفاعی خود مواجه شد، در حالی که به دنبال تقویت نفوذ خود از طریق شبکه‌های نیابتی و همکاری با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند چین و روسیه بود و متخاصمان یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی با عدم موفقیت راهبردی در ایجاد سپر موشکی و عملیات‌های پیشگیرانه، توانایی‌های خود را فقط در برخی از موفقیت‌های تاکتیکی نشان داد، نتایج نشانگر شکست فاجعه بار راهبردی و در بن‌بست قرار گرفتن هر دو متخاصم بود و جنگ با ایران شاید بزرگ‌ترین اشتباه راهبردی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم باشد و سوال اینجاست که پس، چرا قدرتمندترین ارتش‌های روی زمین جنگ‌هایی را آغاز کرد، باخت؟ پاسخ قدرت آتش نیست، بلکه تفکر ایران در چگونگی تضعیف و کاهش تهدیدات امنیتی بوده است.

کارل فون کلاوزویتس، راهبردشناس بزرگ پروس، جنگ را به عنوان «ادامه سیاست با

1. Ivo Daalder (America's way of war isn't working)

2. Link: <https://www.politico.eu/article/america-us-donald-trump-way-of-war-isnt-working/> May 26, 2026

3. Prof. John Mearsheimer Prof. John Mearsheimer: Decision to attack Iran on Feb 28th was a catastrophic mistake (via Clash Report) | Date: 25 May 2026

<https://x.com/i/status/2058988200715010315>



ابزارهای دیگر» تعریف می‌کند و اذعان می‌دارد که نیروی نظامی خدمتگزار اهداف سیاسی است، ایران این نظریه را معکوس کرد چرا که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جنگ را نه به عنوان ادامه سیاست، بلکه به عنوان سیاست امنیتی و جنگ وجودی تلقی کرد، مبتنی بر این باور جادویی که تخریب، هرگز تسلیم را به دنبال نمی‌آورد و یا اظهارات ترامپ که شما یا توافق «خوب» می‌کنید و یا «با خاک یکسان می‌شود» را در حد یک ادعا تقلیل داد و ایران به جای اینکه به یک یا چند هدف سیاسی (تغییر رژیم، دگرگونی تمدنی، برقراری دموکراسی، پایان دادن به تروریسم، خشم حماسی) تعریف شود ابزار مناسب علیه تخاصمان را با انگیزه نبرد نامتقارن و نبوغ استراتژیست‌های خود انتخاب و همه دشمنان خود را شگفت‌زده کرده و علاوه بر دفع تهدیدات امنیتی، در نهایت اقدام به بستن تنگه هرمز به روی همه کشتیرانی‌ها کرد. اما «پیروزی واقعاً چه شکلی است؟» برتری تاکتیکی دشمنان در این جنگ تضمین‌کننده موفقیت راهبردی آنها نبود، همانطور که ضعف تاکتیکی ایران تضمین‌کننده شکست او هرگز نیست. امروز دکترین واینبرگر/پاول هنوز هم چارچوب درستی دارد (یعنی وقتی آمریکا بدون استراتژی می‌جنگد چه اتفاقی می‌افتد و چارچوب امریکایی واینبرگر/پاول این بوده است؛ منافع حیاتی روشن، بکارگیری نیروی قاطع یا قهری برای رسیدن به اهداف مشخص و قابل دستیابی، اخذ حمایت داخلی و بین‌المللی، و داشتن یک استراتژی مشخص برای خروج روشن، و استفاده از جنگ به عنوان آخرین راه حل) حال اقدامات هگرت و ترامپ دقیقاً نقض هر یک از چارچوب و اصول مذکور بود و شاید به همین دلیل است که اکثر تحلیل‌گران مطرح گفتند؛ تکلیف آمریکا قطعاً مشخص است باید به شکست ادامه می‌دهد نه به این دلیل که ارتشش ضعیف است، بلکه به این دلیل که به انتخاب ابزارهای خود قبل از تعریف اهدافش اشتباه کرده با توجه به این موضوع، برای نویسنده این مقاله تعجب آور نیست که قدرتمندترین ارتش تاریخ بشر نمی‌تواند جنگ‌هایی را که آغاز می‌کند ببرد. اما برای کاهش یا برون رفت تنش‌ها و تحکیم صلح و ثبات در امنیت غرب آسیا چه درس‌هایی از این ۴۰ روز جنگ بین ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی باید گرفت که در ادامه بتوان تهدیدات امنیتی را بیشتر کاهش داد و برای برون رفت از وضعیت کنونی این مقاله سعی به بررسی مسائل و ارائه راهکارهایی دار که بتوان از طریق آن تنش‌های ژئوپلیتیک و امنیتی در خاورمیانه به راه شدت کاهش داد و بتوان از طریق یافته‌های آن به درک بهتری از چالش‌ها و کاهش تهدیدات امنیتی رسید و با ارائه راهکارهای مؤثر برای کاهش تنش‌ها و برون رفت از بحران‌های امنیتی موجود، گام برداشت



بیان مسئله

سال‌ها، ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پیشینیان خود را به خاطر فروبردن آمریکا در «جنگ‌های ابدی» در خاورمیانه سرزنش می‌کرد. جنگ او و نتانیاهو علیه ایران ممکن است برای مدت کمی طول نکشد، اما اکنون او دلایل خوبی برای پشیمانی دارد، اما بیرون کشیدن ایالات متحده از این درگیری را بسیار دشوار است. جنگ ترامپ با ایران، خاطرات تلخ مداخلات گذشته را برانگیخته است. در جلسات استماع کنگره در اواخر آوریل، جان گارامندی^۱، نماینده دموکرات آمریکا، جنگ با ایران را یک «باتلاق» و «فاجعه سیاسی و اقتصادی تمام عیار» خواند.^۲

اما چه شد که آنها دیگر تمایلی به اعزام نیروهای زمینی به موقعیت‌هایی که ممکن است در آنها گیر کنند، من جمله خارک ندارند. ناامیدی دولت ترامپ امروز این واقعیت را آشکار می‌کند که اهداف اصلی عملیات «خشم حماسی»، به ویژه ایجاد تغییر رژیم و ریشه‌کن کردن برنامه هسته‌ای ایران محقق نشده است و با بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران، وضعیت کلی بدتر از قبل از شروع عملیات شده است. و چرا عملیات «خشم حماسی» پیروزی از نوعی که رهبرانش ادعا می‌کردند، به دست نیامورد، و چه شد که برتری نظامی قابل توجه آنها نتوانست به سرعت ایران را مغلوب کند؟ پاسخ در جنگ اوکراین و روسیه قبلاً داده شده بود همانطور که روسیه در اوکراین کشف کرد، جنگ‌ها به این راحتی پایان نمی‌یابند.

اما ایران از جنگ برای تقویت موقعیت خود استفاده کرده است و این جنگ نه تنها به عنوان یک درگیری گسترده نظامی، بلکه به عنوان تحولی اساسی در ساختار روابط ژئوپلیتیک و امنیتی منطقه تأثیرگذار بوده است و به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ معاصر غرب آسیا و با تغییر رویکرد ایران به سمت بازتعریف راهبردهای امنیتی بازتعریف می‌شود. تقریباً پس از سه ماه درگیری، عملیات نتوانسته به اهداف سیاسی اعلام‌شده خود دست یابد، و حتی مشخص نیست که از سرگیری عملیات نظامی (که مقامات آمریکایی در هفته‌های اخیر بارها قبل از انجام حملات در ۲۵ مه آن را تهدید کرده بودند) چگونه اوضاع را بهبود می‌بخشد.

تنگه هرمز، این کریدور دریایی و حیاتی که بخش عظیمی از نفت جهان از آن عبور می‌کند، عملاً و هنوز بسته است. تنها چیزی که مانع از استفاده کامل ایران از تنگه می‌شود، محاصره

1. Democratic Representative John Garamendi

2. Iran and the Forever War Trap in Trying to Avoid a Quagmire, America Found a Dead End by: Lawrence D. Freedman Date: May 27, 2026



متقابل آمریکا بر کشتی‌هایی است که از بنادر ایران عبور می‌کنند، که همه اینها بر فشار اقتصاد جهانی افزوده است. جدا از این واقعیت ناخوشایند که ترامپ ادعا کرده بود حملات علیه تأسیسات غنی‌سازی ایران برنامه هسته‌ای ایران را «نابود کرده است»، او اکنون ادعا می‌کند که درد اقتصادی ناشی از این جنگ بهایی است که ارزش پرداختن برای محروم کردن ایران از سلاح هسته‌ای را دارد. مشکل ترامپ این است که برای دستیابی به این هدف در موقعیتی بهتر از قبل از جنگ قرار ندارد، هر چند که ایران خود در موقعیت خوبی از لحاظ اقتصاد قرار ندارد و نیازهای اولیه مردم به سختی تأمین می‌شود. اما حکومت ایران تاب‌آوری نشان داده است، و وضعیت اضطرابی جنگ به ایران کمک کرده است تا کنترل خود بر کشور را تحکیم بخشد، و این وفاق باعث شده که ضربات زیادی را تحمل کند و هنوز هم کسی باور ندارد که فروپاشی ایران صورت بگیرد.

اما دغدغه محقق چپستی و چگونگی دفع و رفع این تهدیدات باقیمانده امنیتی است بر آن است تا با تحلیل وضعیت کنونی و ارائه راهکارهای جدید و راهبردها برون رفت، فضایی برای تنفس ایران با ایجاد مشکل و بن‌بست برای ترامپ یابد، و طعم تلخ تحریم را حداقل برای مردم آمریکا (چه رسد به بقیه جهان) با پیامدهای تورمی بسته کردن تنگه بیشتر بچشاند و اجازه ندهد که ترامپ روبه جلو حرکت کند و امتیازات کوتاه‌مدت را از ایران سلب کند و نهایتاً درک این تهدید امنیتی که قدرت محض، پیروزی سریع به بار نمی‌آورد را با فلج کردن ذهن دشمن ایجاد کند و مذاکرات بین واشنگتن و تهران را با توازن قدرت نظامی و تحمیل درد اقتصادی به طرفین متخاصم بکشد تا توانمندی‌های نظامی آمریکا را تضعیف کند و استراتژی امنیتی جدیدی را تدوین یا باز تعریف کند که به خوبی اهداف امنیتی و سیاسی متخاصمان را نابود کند و آسیب‌پذیری اصلی خود را که در مشکلات مزمن اقتصادی و جمعیت ناراضی نهفته است را کاهش دهد و اکنون که موجودیتش تهدید می‌شود، از لاک دفاعی خارج و جانب احتیاط را کنار بگذارد که این مهم نیازمند شناسایی ابعاد و راهکارهای مؤثر برای کاهش تنش‌ها و تحکیم امنیت در غرب آسیا است. بر این اساس نگارندگان مقاله به دنبال ابعاد راهبردی مؤثر در کاهش تهدیدات امنیتی متخاصمان برای کاهش تنش‌ها و تحکیم صلح و امنیت در غرب آسیا کدامند؟ و همچنین ماهیت و ابزارهای دفاع مقدس ۴۰ روزه در کاهش تهدیدات امنیتی متخاصمان کدامند؟



مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌های مرتبط با تغییر پارادایم جنگ و ابزارهای نوین جنگی:

مقالات متعددی به بررسی نقش فناوری‌های نوین در تغییر ماهیت جنگ‌ها پرداخته‌اند. این مقالات به بررسی استفاده از پهپادها، جنگ سایبری، و سیستم‌های هوشمند در درگیری‌های اخیر پرداخته و تأثیر آن‌ها بر استراتژی‌های نظامی را تحلیل کرده‌اند [Khan, A. F, 2025].

تحلیل‌هایی در خصوص رقابت ایران و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه ارائه شده است. این تحلیل‌ها به بررسی نقش قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و چین در این رقابت و پیامدهای آن برای ایالات متحده پرداخته‌اند، به‌ویژه در زمینه تأثیرات این رقابت بر سیاست‌های امنیتی و نظامی دو طرف [Mahmoudian, 2025]. و مطالعاتی به بررسی اهمیت تنگه هرمز برای تجارت جهانی و تأثیرات احتمالی بسته‌شدن این تنگه بر اقتصاد جهانی و امنیت انرژی پرداخته‌اند. این تحقیقات به‌ویژه بر تهدیدات ناشی از تنش‌های نظامی در این منطقه تأکید دارند [Savelsberg, R, 2025; Teodoro, A., 2025].

تحلیل‌هایی در خصوص نقش گروه‌های نیابتی و عملیات مخفی در رقابت ایران و رژیم صهیونیستی ارائه شده است. این تحلیل‌ها به بررسی تأثیر این اقدامات بر امنیت منطقه و استراتژی‌های دو طرف پرداخته‌اند و نقش این گروه‌ها را در تغییر معادلات قدرت بررسی کرده‌اند [O'Connor, T., 2025]. [July 29]

نقاط اشتراک و افتراق مقاله‌های بررسی شده :

اشتراک در بن‌بست راهبردی، افتراق در تعریف پیروزی: هر دو طرف قادر به تحمیل پیروزی قاطع نیستند و وارد فاز فرسایشی شده‌اند. آمریکا به دنبال بازگشایی تنگه هرمز و توقف غنی‌سازی است، اما ایران کنترل تنگه و مذاکره جداگانه بر سر هسته‌ای را شرط می‌داند.

اشتراک در آسیب‌پذیری اقتصادی، افتراق در ابزارهای فشار: هر دو طرف از جنگ فرسایشی و اقتصادی ضربه دیده‌اند: قیمت بنزین در آمریکا ۱.۴ دلار گران شده و ایران ۴.۸ میلیارد دلار درآمد نفتی خود از دست داده است. آمریکا از محاصره دریایی و تحریم و ایران از بستن تنگه و جنگ نامتقارن (پهپادهای فیبر نوری، قایق‌های تندرو) استفاده می‌کند.

اشتراک در دیپلماسی موازی، افتراق در ترتیب اولویت‌ها: هر دواز میانجیگری پاکستان



استفاده می‌کنند. ایران پیشنهاد دو مرحله‌ای (تنگه و آتش‌بس، سپس هسته‌ای) داده، اما آمریکا اصرار دارد مسئله هسته‌ای در مرحله اول حل شود - این اختلاف اصلی بن‌بست دیپلماتیک است. با توجه به سابقه ترامپ، در وعده دیپلماسی در واقع می‌تواند تهدید جنگ را تا مذاکره افزایش دهد. ایالات متحده به دنبال صلح پایدار نیست، بلکه به دنبال دستی آزاد برای حفظ ایران در انزوا و ضعف، و مهار فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی آن با علف‌زنی دوره‌ای^۱ به گفته ولی نصر در فایننشال تایمز است مقاله‌ای که وی تحت عنوان چرا ایران به توافق با آمریکا بدبین است و بازدارندگی تنها چیزی است که اهمیت دارد.

اشتراک در محدودیت‌های داخلی، افتراق در ماهیت فشارها: ۶۱٪ آمریکایی‌ها جنگ را اشتباه می‌دانند و ترامپ نگران انتخابات میان‌دوره‌ای است. در ایران، رهبری (آیت‌ا. مجتبی خامنه‌ای) کنترل داخلی محکم‌تری دارد، اما با افزایش قیمت‌ها و کمبود ارز و فشار فزاینده‌ای آن مواجهه شده است.

اشتراک در اهداف اعلامی رژیم صهیونیستی، افتراق در سطح عمل نظامی: حتی بین رژیم صهیونیستی و آمریکا: رژیم صهیونیستی و آمریکا هر دو خواستار توقف غنی‌سازی و خروج اورانیوم ۲۰٪ و ۶۰٪ هستند. اما رژیم صهیونیستی بر حل مسئله ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای بالا تأکید دارد و آماده حمله جدید است، در حالی که آمریکا گزینه «حملات محدود» را ترجیح می‌دهد و از اعزام نیروی زمینی محتاط است.

اشتراک در اجتناب از جنگ تمام‌عیار، افتراق در تعریف «قواعد بازی»: هیچ طرفی خواهان تشدید کنترل نشده نیست (اسکای‌نیوز)؛ اما آمریکا و رژیم صهیونیستی بر بازگشایی کامل تنگه هرمز و توقف غنی‌سازی اصرار دارند، در حالی که ایران با ایجاد «سازمان آبراه خلیج فارس» و اخذ عوارض، در پی نهادهای سازی کنترل خود بر تنگه و جدا کردن مذاکره هسته‌ای از موضوع عبور کشتی‌ها است. **اشتراک در فشار اقتصادی داخلی، افتراق در تاب‌آوری:** قیمت بنزین در آمریکا به بالای ۴ دلار رسیده و ۶۱٪ مردم جنگ را اشتباه می‌دانند (CNN)؛ از سوی دیگر، ایران با محاصره دریایی و توقف صادرات نفت مواجه است اما از طریق کريدورهای زمینی، ذخایر شناور و اهرم تنگه، فشار را به اقتصاد جهانی بازتاب می‌دهد. تاب‌آوری ایران در کوتاه‌مدت بیشتر است، اما آمریکا به دلیل تقویم انتخابات میان‌دوره‌ای انگیزه بیشتری برای توافق دارد.

اشتراک در شکست «پروژه آزادی»، افتراق در راهکار جایگزین: عملیات «خشم حماسی» و

1. Vali Nasr: Why Iran is reluctant to sign MoU / Deterrence is all that matters



«پروژه آزادی» ترامپ به دلیل عدم همکاری عربستان و کویت (لغو دسترسی به پایگاه و حریم هوایی) و حملات متقابل موفق ایران عملاً شکست خورد و آمریکا اکنون به دنبال ائتلاف دریایی بین‌المللی و قطعنامه جدید سازمان ملل (فصل ۷) است، در حالی که ایران با پهبادهای، مین‌های هوشمند و قایق‌های تندرو، هزینه حضور نظامی آمریکا را به شدت افزایش داده و مسیر «عبور مشروط با بیمه شرقی» را جایگزین کرده است.

اشتراک در تمایل به مذاکره، افتراق در خطوط قرمز نهایی: دو طرف در حال تدوین یادداشت تفاهم ۱۴ بندی با میانجیگری پاکستان هستند (WSJ) و آمریکا (با اعلام خطوط قرمز طبق نظر وال استریت ژورنال) خواستار برچیدن کامل غنی‌سازی، تحویل همه مواد هسته‌ای و بازرسی‌های فراتر از سایت‌های اعلامی است. ایران غنی‌سازی تا ۶۰٪ را حق خود می‌داند و خواهان لغو تحریم‌ها و نقش دائمی در مدیریت تنگه است. رژیم صهیونیستی نیز با آماده‌باش نظامی و بانک اهداف جدید (تأسیسات انرژی)، فشار می‌آورد که خط قرمز را به «توقف کامل توان هسته‌ای» تغییر دهد.

اشتراک در تغییر موازنه به نفع چین، افتراق در ارزیابی بازیگران منطقه‌ای: هم آمریکا و هم ایران می‌دانند که گرفتاری در جنگ فرسایشی، برتری اقیانوس هند را به چین منتقل می‌کند (تحلیل دکترین هزینه‌های جبران‌ناپذیر). اما کشورهای عربی خلیج فارس دچار شکاف راهبردی شده‌اند: عربستان و کویت از همکاری نظامی با آمریکا خودداری کردند، امارات و بحرین خواستار تشدید هستند، و عمان بی‌طرفی می‌کند (Foreign Affairs) رژیم صهیونیستی نیز نگران است که آتش‌بس زود هنگام، ایران را قدرتمندتر از قبل باقی بگذارد و خلأ استراتژیک مشابه عراق پس از ۱۹۹۱ ایجاد کند (تحلیل خالد الجابر). در نتیجه، جنگ وارد فاز می‌شود که هیچ‌کدام از طرفین قادر به تحمیل پیروزی قاطع نباشد و ثبات بلندمدت خلیج فارس و معماری امنیت تحت رهبری آمریکاست بهم بخورد.

اشتراک در بن‌بست راهبردی و عدم تمایل به جنگ تمام‌عیار، افتراق در ابزار فشار تعیین‌کننده: هیچ طرفی خواهان تشدید نیست - ترامپ حملات برنامه‌ریزی شده را به درخواست رهبران عرب (قطر، عربستان، امارات) متوقف کرد (Axios) و ایران نیز از آتش‌بس برای بازسازی توان موشکی استفاده می‌کند. (NYT) در حالی که ایران با ایجاد «چارچوب جدید» (بازرسی، عوارض، بیمه شرقی) در پی نهادینه‌سازی کنترل مشترک بر تنگه و جدا کردن مذاکره هسته‌ای از عبور کشتی‌ها است.

اشتراک در واگرایی متحدان منطقه‌ای، افتراق در ائتلاف‌سازی: هر دو طرف از شکاف میان



کشورهای عربی خلیج فارس متأثر شده‌اند. از یک سو، عربستان و کویت از همکاری کامل نظامی با آمریکا خودداری کردند (لغو دسترسی به پایگاه و حریم هوایی) و قطر نسبت به استفاده از تنگه به عنوان «بازار چانه‌زنی» هشدار داد. از سوی دیگر، امارات و رژیم صهیونیستی صندوقی برای خرید مشترک تجهیزات دفاعی (به ویژه ضدپهپاد) تأسیس کرده‌اند (Middle East Eye) و بحرین همچنان با آمریکا هم‌مسو است. تفاوت کلیدی: رژیم صهیونیستی خواستار تشدید نظامی است، در حالی که بیشتر پادشاهی‌های عربی خواهان جلوگیری از تشدید تنش هستند (تحلیل فارن پالسی). **اشتراک در فشارهای داخلی بر ترامپ از کنگره، افتراق در توانایی کنترل نهادهای قانونی:** برای اولین بار، سنا با رأی ۵۰-۴۷ قطعنامه محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ علیه ایران را پیش برد (The Guardian/CBS) - چهار جمهوری خواه به دموکرات‌ها پیوستند. این نشانه‌ای از فرسایش حمایت کنگره از جنگ است. اما تفاوت در این است که ترامپ همچنان و تو را در اختیار دارد و کاخ سفید با «تفسیر موسع» از آتش‌بس، به عملیات خود (محاصره، حملات محدود) ادامه می‌دهد. در مقابل، رهبری ایران بدون چنین محدودیت‌های نهادی، فضای مانور بیشتری برای ادامه فشار دارد.

اشتراک در درک «افسانه بودن تهدید هسته‌ای» از سوی برخی تحلیلگران، افتراق در بهره‌برداری سیاسی از آن: دانیل دیویس (سرهنگ بازنشسته آمریکایی) آشکارا گفت: «هیچ سلاح هسته‌ای در حال حاضر وجود ندارد. هیچ‌وقت وجود نداشته و هیچ برنامه‌ای برای سلاح هسته‌ای وجود نداشت» و جنگ بر پایه یک تهدید غیرواقعی بنا شده است. اما آمریکا و رژیم صهیونیستی همچنان از همین تهدید به عنوان توجیه اصلی برای فشار حداکثری استفاده می‌کنند، در حالی که ایران کنترل بر تنگه هرمز را «گزینه هسته‌ای بدون داشتن سلاح هسته‌ای» توصیف می‌کند. این اختلاف روایی، مذاکرات را به جای حل اختلاف واقعی، به نبرد بر سر برداشت‌ها تبدیل کرده است.

جمع‌بندی تأثیر بر روند کلی:

جنگ وارد مرحله‌ای شده که «هیچ کدام از طرفین نمی‌توانند پیروزی قاطع را تحمیل کنند و بازنده روشن، ثبات بلندمدت خلیج فارس و معماری امنیت تحت رهبری آمریکاست.» (تحلیل خالد الجابر). سنای آمریکا برای نخستین بار گامی عملی برای محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ برداشته، اما ترامپ همچنان بر «لحظه چرچیلی» خود اصرار دارد - در حالی که ایران با صبر راهبردی و بازسازی توان نظامی خود در سایه آتش‌بس، برگ‌های فشار خود را افزایش داده است. در صورت عدم توافق



در هفته‌های آینده، سناریوی تشدید (با تمرکز بر زیرساخت‌های انرژی ایران از سوی آمریکا و اهداف داده‌ای در امارات از سوی ایران محتمل‌تر از سناریوی صلح ارزیابی می‌شود.

ادبیات تحقیق

آنچه ایران نشان داد این بود که به طور همزمان به با آمریکا و رژیم صهیونیستی جنگید. ضربات قابل توجهی به زیرساخت‌های هسته‌ای خود را متحمل شد، فرماندهان ارشد نظامی خود را از دست داد و شاهد آسیب جدی به نیروهای متعارف خود بود. ولی با این حال، همچنان توانست تنگه هرمز را برای هفته‌ها ببندد و تقریباً یک پنجم از عرضه جهانی نفت را قطع کند. بر هر کشوری که علیه ایران اقدامی کرده بود موشک و پهپاد بزند و فرودگاه‌ها، هتل‌ها و زیرساخت‌های نفتی و کشتی‌های آنها را مورد اصابت قرار داد. ایران، علیرغم تمام تنبیهاتی که متحمل شده است، این جنگ را به هیچ وجه به معنای راهبردی نباخته است. این نتیجه‌گیری برای متخصصان و نوکران عرب آنها بسیار ناخوشایند است، اما نتیجه چرا این است باید به ابعاد زیر پرداخت:

دفاع موزاییکی و نامتقارن ایران:

آنچه ایران نشان داد را در نظر بگیرید. این کشور به طور همزمان به جنگ با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی و چند کشور دیگر رفت و توانست تنگه هرمز را برای هفته‌ها ببندد و تقریباً یک پنجم از عرضه جهانی نفت را قطع کند. تحلیلگر رژیم صهیونیستی ی (دنی سیترنوویچ^۱) در مقاله چرا فشار نظامی بیشتر، ایران را وادار به تسلیم نمی‌کند؟ اذعان می‌دارد که پس از لشکرکشی طولانی با دستاوردهای عملیاتی واقعی اما شکست راهبردی برای آمریکا و اسرائیل فرا رسید، وقت آن رسیده که این دو کشور انتظارات خود را درباره حکومت ایران مجدد تنظیم کنند چرا که حکومت ایران تسلیم نخواهد شد. فرض وجود یک اقدام قاطع که بتواند ایران را به میز مذاکره بازگرداند، تصویری عمیقاً اشتباه در مورد ماهیت حکومت ایران است. فاصله عمیقی میان آسیب عملیاتی و تسلیم راهبردی وجود دارد چرا که دفاع موزاییکی ایران بازدارندگی ایجاد کرده و با گذر زمان، اهرم‌های فشار به نفع اوست و واشنگتن فاقد راهبرد جایگزین عملی است و تهدیدهای مکرر ترامپ در تهران نه چندان نشانه قدرت، بلکه بیشتر نشانه تلاش دولتی تعبیر می‌شود که در تبدیل فشار به نتایج راهبردی درمانده است. (Citrinowicz, D. 2026)

1. Danny Citrinowitz



در مقاله ترجمه شده «تخریب مدل نیابتی ایران و راه‌های برون‌رفت»^۱ بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی جدید، مولف معتقد است که انسداد زمینی کامل مسیر سوریه توسط دولت دمشق در دسامبر ۲۰۲۴، شریان اصلی لجستیک و تأمین مالی حزب‌الله را قطع کرده اما تحلیلگران مؤسسه «آینده نگری دفاعی» در گزارش مه ۲۰۲۶ خود استدلال می‌کنند: هسته مرکزی «محور وارد فاز «شبکه مقاومت موزاییکی» شده که در آن هر گروه بر حسب تهدیدات و منابع محلی، مستقل از تهران تصمیم می‌گیرد و جنگ فرسایشی را به شیوه «بازدارندگی توزیع‌شده» ادامه می‌دهد. در این مقاله مولف در سناریوی اول (۴۵-۵۵٪): تداوم آتش‌بس شکننده با پذیرش نظام جدید عبور ایران در تنگه هرمز (دریافت عوارض، بازرسی، بیمه محلی) که عملاً ایران را ناظر رسمی آبراه می‌کند و کلوپ‌های بیمه لندن را به پذیرش «تأییدیه پوشش محلی» وادار ساخته است. و در سناریوی دوم (۲۰-۲۵٪): تشدید محدود و انتخابی با حملات نمایی بدون جنگ تمام‌عیار؛ نقطه فشار آن عدم اجازه عربستان و کویت به آمریکا برای استفاده از پایگاه‌ها و حریم هوایی، و کاهش ۴۵-۵۰ درصدی ذخایر موشکی دقیق و رهگیرهای پاتریوت/تاد آمریکا. و در سناریوی سوم (۲۰-۳۰٪): توافق دیپلماتیک بر اساس یادداشت تفاهم ۱۰ یا ۱۴ ماده‌ای؛ موانع اصلی شامل تعلیق غنی‌سازی، خروج اورانیوم غنی‌شده از ایران (خط قرمز ونس و والتز)، و اصرار تهران بر نقش دائمی در نظارت بر تنگه هرمز. اما در سناریوی چهارم یعنی جنگ نامتقارن تمام‌عیار با بسته شدن همزمان تنگه هرمز و باب‌المندب، افزایش ۳۰۰ درصدی هزینه حمل‌ونقل دریایی، و انتقال قدرت به چین در بلندمدت (استراتژی «تار عنکبوت لجستیکی» چین از جیبوتی تا گوادار خواهد بود. Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard University 2026)

دیپلماسی منطقه‌ای فعال با چین و روسیه

اخیراً وزیر امور خارجه روسیه در حاشیه نشست وزیران خارجه بریکس در دهلی نو^۲ دیدارهای جداگانه با هم‌تایان ایرانی و عباس عراقچی برای حل و فصل درگیری داشت و اعلام آمادگی کرد که روسیه برای کمک به طرف‌ها در جستجوی «سازش‌های قابل قبول دوجانبه»

1. Iran's Proxy Model Destruction & Exit Strategies
Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard University (April 2026) & DA'A Foreign Languages Center (May 2026)
2. Lavrov meets Iranian, Brazilian counterparts at BRICS summit in New Delhi



تلاش خواهد کرد ادامه تقویت و مشارکت استراتژیک بین روسیه و ایران بسیار حائز اهمیت است (Elena Teslova, 2026)

چین نیز از ابتدای این تحریم‌ها نشان داد که به تشدید جنگ اقتصادی از سوی آمریکا توجهی ندارد و بر خرید نفت از ایران ممارست به خرج داد و با بسته شدن روزه‌های مالی، فشار بر ریال و توانایی ایران برای تأمین کالاهای اساسی همیشه در کنار ایران بوده و با این حال، عدم موفقیت این تحریم‌ها به همکاری چین بستگی دارد. چین تاکنون از پذیرش تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا خودداری کرده و نفتکش‌های ایران با خاموش کردن سیستم‌های ردیابی، همچنان نفت را به مقصد می‌رسانند و امید است که با چین وارد برنامه راهبردی و عملیاتی گسترده‌ای به زودی شویم و به جای معطوف نمودن اذهان به سوی غرب و غربگرایی مفرط و بیهوده چرخش استراتژیک و واقعی به سوی چین باشد و به تازگی گزارشی توسط میدل ایست آی مبنی بر امارات و رژیم صهیونیستی صندوقی برای خرید مشترک تجهیزات دفاعی تأسیس کرده‌اند منتشر شد^۱ و گوزانسکی پژوهشگر ارشد INSS روابط امارات و رژیم صهیونیستی را در عالی‌ترین سطوح و حالت خود در طول تاریخ توصیف کرد. این نزدیک‌ترین همکاری رژیم صهیونیستی با یک کشور عربی تاکنون بی‌سابقه است و سرعت این تغییر شکل نیز به نوبه خود جای تامل دارد اما متأسفانه در ایران حداقل همچین تلاشی از سوی دولت‌ها صورت نگرفته است و با بسته شدن تنگه هرمز بهترین زمان نیز برای همکاری با سایر کشورهای دوست و بی‌طرف در هر سطحی آماده شد اما هنوز از این فرصت استفاده نشده است

الجزیره^۲ در خبری مدعی شد کشورها برای عبور از تنگه هرمز با ایران گفتگو می‌کنند (نگرانی از ذخایر نفتی) باعث شده که همه کشورهای ذخایر راهبردی نفتشان در حال تمام شدن است دست به کاری ابتکار مذاکره بزنند و ایران باید آبهای خود را کنترل کند و در چارچوب مفاد و قراردادهای همکاری و مشارکت جدیدی برا این کار تعیین می‌کند.»

1. UAE and Israel established fund for joint defense acquisition By: Middle East Eye (Sean Mathews). 18 May 2026

<https://www.middleeasteye.net/news/uae-and-israel-established-fund-joint-defence-acquisition-sources-say>

2. Nations 'approach' Iran for Hormuz passage amid oil reserve concerns| Date: 18 May 2026

<https://www.aljazeera.com/news/liveblog/2026/5/17/iran-war-live-tehran-eyes-tolls-in-hormuz-trump-warns-of-very-bad->



تهران با اتکا به روابط رو به گسترش خود با مسکو و پکن، دیگر مانند یک بازیگر منزوی منطقه‌ای رفتار نمی‌کند. ایران اکنون بخشی از یک ائتلاف گسترده‌تر ضد غربی است که موقعیت جهانی آمریکا را به چالش می‌کشد. و از سوی دیگر منطق پشت این عقب‌نشینی ظاهری آمریکا روشن است. دولت ترامپ به شدت نگران فشارهای تورمی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای است به‌ویژه بر افزایش قیمت نفت، گاز طبیعی مایع، هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی و بیمه است که ناشی از بی‌ثباتی در خلیج فارس هستند. ایران نیز تلاش می‌کند مذاکرات را هماهنگ با چین و روسیه تا زمان انتخابات میان‌دوره‌ای طولانی کند. اما جایگزین کردن نگرانی‌های اقتصادی به جای انضباط راهبردی، همواره فرمولی شکست‌خورده برای آمریکا بوده است.

البته منظور نویسنده مقاله از دیپلماسی گفتار با آمریکا و رژیم نیست و همه ایرانیان به خوبی دیگر می‌دانند که به وعده دشمن اعتمادی ندارند. آنچه برای ما اهمیت دارد دستاوردهای ملموسی است که باید به دست آوریم، در ازای آن نیز تعهدات خود را انجام خواهیم داد. دیدگاه مسلط مشترک در سراسر طیف سیاسی امروز تهران این است که با توجه به سابقه ترامپ، وعده دیپلماسی در واقع می‌تواند تهدید جنگ را افزایش دهد. امتیازات ظاهراً سخاوتمندانه واشنگتن چیزی جز زایدخواهی نیست و تفسیر نمی‌شود. تهران مشکوک است که واشنگتن به دنبال صلح پایدار باشد، بلکه به دنبال دستی آزاد برای حفظ ایران در انزوا و ضعف، و مهار فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی آن با «علف‌زنی یا چمن زنی دوره‌ای» است. در مواجهه با چنین چشم‌اندازی، تنها بازدارندگی اهمیت دارد.

تقویت پدافندی و دفاع هوشمند:

از سوی دیگر دستیابی به اهداف کلان ترسیم شده کشور و توان ظرفیت‌سازی صنعتی و تامین فناوری‌های حساس و خلق محصولات جدید و به منظور پشتیبانی از جامعه سبز و هوشمند امری ضروری است که لازمه آن کسب آمادگی و دستیابی به این اهداف، شناخت این فناوری‌ها می‌باشد. (عین‌القضای، ۱۳۹۷: ۱۵۹)

همگرایی فناوری‌های نوین شامل ترکیب هوش مصنوعی، فناوری اطلاعات، نانو فناوری و زیست‌فناوری است که به طور مشترک می‌توانند راه‌حل‌های نوینی در رفع تهدیدات و چالش‌های اجتماعی ارائه و در عین حال این همگرایی می‌تواند به ایجاد سیستم‌های هوشمند و کارآمد در مدیریت منابع، بهبود خدمات اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی کمک کند که مسلماً علاوه بر



ایجاد تهدیدات می‌تواند فرصت‌ها زیادی را به همراه داشته باشد و پیشرفت در حوزه هوش مصنوعی، تأثیر قابل توجهی در پیشبرد اهداف محاسبات شناختی و پیاده‌سازی کاربردهای هوشمندی خواهد داشت. این پیشرفت‌ها بدون قطع نقش حیاتی در ارتقاء سلامت جامعه بشری، افزایش بهره‌وری جوامع انسانی و هوشمندسازی تمامی جنبه‌های زندگی و تعاملات انسانی خواهد داشت. علاوه بر این، از ترکیب قدرت محاسباتی خارق‌العاده رایانه‌های کوانتومی با سیستم‌های محاسبات شناختی، به‌عنوان کاتالیزگری برای تسریع در پیشرفت هوش مصنوعی و به تبع آن سیستم‌های محاسبات شناختی استفاده می‌شود. وهوش مصنوعی که اکنون قوه محرکه‌ی انقلاب‌های فناوری است پاسخگوی کشف جبهه‌های جدید علم و فناوری با کمک همگرایی خواهد بود و عواملی نظیر نیازهای اجتماعی و تجاری نیز در این جریان سهمیم هستند. به عبارت دیگر، صرف «توانستن» با «خواستن» نیست که سبب ایجاد فناوری‌های جدید می‌شود، بلکه قوه محرکه ایجاد فناوری‌های بدیع، نیاز جامعه انسانی و کسب و کارهای تجاری آن به راه‌حل‌های مناسب برای حل مشکلات پیش روی آن است. و هوشمندسازی باعث تجزیه و تحلیل رفتاری و الگوریتمی حرکات دشمن شده و منجر به تعاملات اجتماعی

بهرتر و شفافیت داده‌ها و دقت در پیش‌بینی سیستم‌های اطلاعاتی می‌شود تحلیل دقیق ابزارها و فناوری‌های نوین به کاررفته در این جنگ، همچون پهپادهای رزمی و شناسایی، جنگ الکترونیک، حملات سایبری هدفمند و عملیات اطلاعاتی پیچیده، تأثیر عمیقی بر روند و نتیجه درگیری‌ها بین ایران و متخاصمان در جنگ دوازده روزه داشت. این ابزارها نه تنها توان نظامی مستقیم را ارتقاء دادند بلکه توانستند به شکلی هوشمندانه بر روان افکار عمومی، روندهای سیاسی و ساختار امنیتی منطقه تأثیر بگذارند. این امر نشان می‌دهد که جنگ‌های آینده نه تنها متکی بر تقابل صرفاً سخت‌افزاری و از راه دور، بلکه به نبردهای شناختی و اطلاعاتی مغزافزاری متکی خواهند بود که در آن برتری در نوآوری، انعطاف، فناوری و مدیریت هوشمندانه اطلاعات می‌تواند تعیین‌کننده باشد. (عین القضاتی، ۱۴۰۴: ۱۰)

تقویت و حمایت از محور مقاومت

مقاله وعده ۱۶ ساله نتانیا‌هو در قبال ایران به جنگی بی‌پایان و بدون راه‌برد خروج بدل شده



است^۱ با قلم الیجا مگنیر^۲ در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ دقیقاً اشاره به تاب‌آوری ایران و شبکه نفوذ ایران یعنی حور مقاومت و موفقیت آن در منطقه داشته است. وی اذعان می‌دارد که به مدت شانزده سال، بنیامین نتانیاهو بخش اعظم هویت سیاسی خود را بر پایه یک وعده دروغین نهاد: رژیم صهیونیستی قادر است ایران را متوقف کند، برنامه هسته‌ای آن را نابود سازد و در صورت لزوم، به سرنگونی خود جمهوری اسلامی کمک کند.

از تربیون سازمان ملل تا کنگره آمریکا، از مصاحبه‌های تلویزیونی تا جلسات توجیهی نظامی، نتانیاهو بارها ایران را به عنوان تهدیدی وجودی معرفی کرد که رژیم صهیونیستی هم مایل و هم قادر به مقابله با آن است، حتی در صورت لزوم به تنهایی و این نمایش تئاترگونه نتانیاهو در نفوذ به دستگاه امنیتی ایران، شناسایی و ترور دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان ارشد، و حمله با بدافزار به چندین تأسیسات ایرانی، در واقع ایجاد فضای غبار آلودی در برابر چشم دیگران بود که باعث کور کردن دیگران من جمله دونالد ترامپ شد و او باور داشت که می‌تواند هر کاری در ایران و منطقه انجام دهد. این باور، و حتی خود نتانیاهو را به تصویری اشتباه از آنچه می‌توانستند به دست آورند، به هر دو کشور متخاصم علیه ایران القا نمود. حتی ترامپ درک نکرد که ترور هدفمند نه بازدارندگی ایجاد می‌کند و نه یک نظام حاکم را سرنگون می‌سازد. این اقدام اغلب چیزی بیش از یک کنش تئاتری نبود، به ویژه زمانی که علیه بازیگران ایدئولوژیک دولتی و غیردولتی به کار گرفته می‌شد. افزون بر این، تجربه طولانی ایالات متحده در تغییر رژیم، به نتانیاهو ضمانتی روانی داد که آینده سیاسی‌اش را می‌تواند بر ویرانه‌های ایران بنا نهد (Magnier, E. J. 2026). این در حالی بود که هنوز کارت برنده دیگر ایران از باب المندب رو نشده بود و امروز، پس از خونین‌ترین و مستقیم‌ترین رویارویی که تاکنون بین رژیم صهیونیستی، ایالات متحده و ایران رخ داده است، آن روایت به واقعیت پیوند خورده و جنگ چیزی را نشان داد که نتانیاهو سال‌ها تلاش کرد آن را انکار کند: رژیم صهیونیستی نمی‌تواند حتی با حمایت مستقیم آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند. مهم‌تر اینکه، نه رژیم صهیونیستی و نه ایالات متحده توانایی وادار کردن ایران به فروپاشی، تسلیم یا تغییر رژیم را نشان ندارند. ایران این یورش را جذب کرد، در سراسر منطقه به کمک محور مقاومت تلافی نمود، تجارت دریایی را مختل ساخت، هزینه‌های اقتصادی تحمیل کرد و از نظر سیاسی باقی ماند. و ما امروز شاهد هستیم که پهباد انتحاری کم‌هزینه حزب‌الله سامانه گنبد آهنین رژیم صهیونیستی را از کار می‌اندازد

1. Netanyahu's 16-Year Iran Promise Has Collapsed Into a War Without a Clear Exit

2. Elijah J. Magnier



^۱ در جبهه لبنان، آتش بس نقض می‌شود و حزب‌الله با پهپادهای فیبر نوری (مصون در برابر جنگ الکترونیک) مشکل جدی برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. این مساله نشان‌دهنده تقویت توانایی‌های محور مقاومت (حزب‌الله) در برابر رژیم صهیونیستی است. (Harel, Amos. 2026)

کارت متوازن کننده تنگه هرمز:

سرهنگ بازنشسته آمریکایی دانیل دیویس^۲ معتقد است مناقشه جاری در خاورمیانه بر پایه یک تهدید غیرواقعی بنا شده است که آن را یک نقص اساسی در استراتژی آمریکا می‌خواند. وی دعی است که ایران توانایی (برای بازسازی برنامه هسته‌ای) را دارد، از این کار خودداری کرده است، زیرا کنترل تنگه هرمز به مثابه «سلاح هسته‌ای» عمل می‌کند. (Davis, D. 2026)

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) هشدار داد که مسدود شدن تنگه هرمز می‌تواند در ماه‌های آینده «بحرانی شدید در قیمت جهانی مواد غذایی» ایجاد کند. پیش از آنکه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی حملاتی را علیه ایران آغاز کنند، تنگه هرمز مسئول حمل و نقل یک پنجم نفت جهان بود. این حملات باعث شد تهران عملاً تنگه را به روی ترافیک نفت کش‌ها و کشتی‌های باری ببندد. یک سوم از عرضه جهانی کود نیز پیش از جنگ از این تنگه عبور می‌کرد و مقامات هشدار داده‌اند که کشاورزان ممکن است در طول فصل رشد تابستان با کمبود مواجه شوند. (CBS News, 2026)

اما چرا الحن تند ترامپ عوض شد او که بارها از حملات جدید که ایالات متحده را دوباره به جنگی نامحبوب و پرهزینه بازمی‌گرداند، حمایت می‌کرد چرا اکنون خواستار عقب‌نشینی کرده است. در عوض به کشورهای میانجی گر زمان بیشتری برای رسیدن به توافق داده است، حتی در حالی که مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای و تنگه هرمز متوقف شده است. از سوی دیگر ابوظبی به ویژه نگران است که جنگ با قدرتمندتر شدن تهران در تنگه هرمز پایان یابد.

فیراس مک‌سداد، مدیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در گروه اوراسیا، به خبرگزاری «میدل ایست آی» گفت: «کشورهای حاشیه خلیج فارس معتقدند که قرار است در هر توافقی که دولت ترامپ با ایران منعقد می‌کند (توافقی که بر پرونده هسته‌ای و تنگه هرمز متمرکز است)، در نهایت ممکن ضرر کنند...»

1. Hezbollah's low-cost kamikaze drone takes out Israel's Iron Dome
2. Daniel Davis



اما سالزبری، عضو ارشد مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی، به الجزیره می‌گوید: پروتکل جدید دریایی ایران نشان می‌دهد که آنها بدون یک «جنگ» کنترل تنگه هرمز را واگذار نخواهند کرد. او گفت: «ایران می‌داند که کنترل این تنگه اهرم فشار بزرگ آن کشور است، زیرا تأثیر عظیمی بر اقتصاد جهانی و نفت، کود، گاز و همه چیزهایی که همه ما به آنها نیاز داریم، دارد.

اما سالزبری^۱، عضو ارشد مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی، می‌گوید: پروتکل جدید دریایی ایران نشان می‌دهد که آنها بدون یک «جنگ» کنترل تنگه هرمز را واگذار نخواهند کرد. او گفت: «ایران می‌داند که کنترل این تنگه اهرم فشار بزرگ آن کشور است، زیرا تأثیر عظیمی بر اقتصاد جهانی و نفت، کود، گاز و همه چیزهایی که همه ما به آنها نیاز داریم، دارد.

او توضیح داد که اگر ایران عوارضی را که پیشنهاد کرده اعمال کند، هر کشوری که بپردازد در برابر تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران «قانون شکن» محسوب خواهد شد. این یک ریسک بزرگ تجاری است. او افزود که ریسک‌های قابل توجهی از سوی خود ایران وجود دارد، از جمله حملات با مین‌های دریایی و موشک‌ها، هرچند تأکید کرد که تحت حفاظت نیروی دریایی ممکن است ریسک کمتری وجود داشته باشد. الجزیره در مقاله‌ای نوشت که ایران بدون «جنگ» کنترل تنگه هرمز را واگذار نخواهد کرد. او توضیح داد که اگر ایران عوارضی را که پیشنهاد کرده اعمال کند، هر کشوری که بپردازد در برابر تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران «قانون شکن» محسوب خواهد شد. این یک ریسک تجاری بزرگ است. اما ریسک‌های خطرناک و قابل توجهی از سوی خود ایران است چون ایران می‌تواند با حملات از طریق مین‌های دریایی و موشک‌ها اجازه تردد را تقریباً غیر ممکن کند

نخست‌وزیر قطر، نسبت به استفاده از تنگه هرمز به عنوان «ابزار چانه‌زنی» هشدار داد. و قطر سعی دارد با تلاش‌های انجام‌شده خود با هدف دستیابی به صلح و تقویت امنیت و ثبات منطقه این خطر را رفع کند و بر اساس این بیانیه «حمایت کامل قطر را از تلاش‌ها برای دستیابی به توافقی جامع به منظور پایان دادن به بحران» تکرار کرد و بر لزوم پاسخ مثبت همه طرف‌ها به تلاش‌های میانجی‌گری «به گونه‌ای که به برقراری صلح و ثبات پایدار در منطقه کمک کند» تأکید نمود. وی همچنین تأکید کرد که آزادی دریانوردی «اصلی تثبیت‌شده و غیرقابل مصالحه است» و هشدار داد که بستن تنگه هرمز یا استفاده از آن به عنوان «ابزار چانه‌زنی» تنها به تعمیق بحران و تهدید منافع حیاتی کشورهای منطقه خواهد انجامید.

1. Salisbury



تحلیلگر سی‌ان‌ان فرید زکریا نیز در خصوص کارت امتیاز ایران از تنگه مدعی است که وضعیت بن‌بست در تنگه هرمز به نوعی می‌تواند به نفع حکومت ایران تمام شود و «ایرانی‌ها، از این جهت، دست بالا را دارند. (Zakaria, F., 2026)

علاوه بر این، مسئله تهدید علیه منافع عمومی جهانی نیز برای آمریکا مطرح است. اگر به ایران اجازه داده شود اهرم فشار عملی خود بر تنگه هرمز را حفظ کند، این امر سابقه‌ای خطرناک برای نظام بین‌المللی ایجاد خواهد کرد. ایران از موقعیت جغرافیایی خود به‌عنوان سلاحی برای گرفتن امتیاز از آمریکا استفاده کرده و خواهد کرد. اگر در این راه موفق شود، دیگر قدرت‌های تجزیه و تجدیدنظرطلب حتی ممکن است از این الگوراهبردی درس آموخته و آن را بکار گیرند. به عنوان مثال امروز تنگه هرمز؛ فردا باب‌المندب، بسفر یا تنگه مالاکا. پیامدهای چنین وضعیتی عمیق خواهد بود: نظامی شدن دائمی مسیرهای کشتیرانی، افزایش پایداری تورم جهانی، ناامنی مزمن در بحث انرژی و تضعیف بیشتر نظم تجارت بین‌المللی مبتنی بر قواعدی حاکم بر جهان از سال ۱۹۴۵ یعنی خرد شدن ستون فقرات تجارت بین‌المللی و شاید خطرناک‌ترین پیام این روند برای آمریکا باشد یعنی خلأهای راهبردی که به سرعت پر نمی‌شوند و بازدارندگی راهبردی برای ایران و زمانی که تصور ضعف آمریکا در دنیا شکل بگیرد، رقبای چینی و روسی با جسارت بیشتری برای بهره‌برداری از آن اقدام خواهند کرد. قدرت‌های بزرگ اعتبار خود را ابتدا به تدریج و سپس ناگهان از دست می‌دهند. بن‌بست هرمز بخشی از روندی طولانی و تأسف‌بار آمریکایی است که از واکنش ضعیف غرب به حمله روسیه به گرجستان و نهایتاً الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ انجام و مجدداً با تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ آغاز شد. و اگر اکنون آمریکا اجباراً از تنگه عقب‌نشینی کند خنثی‌سازی کامل توانایی‌های وی و همه متحدان او شکل خواهد گرفت و هم سایر دشمنان ایران این پیام را دریافت خواهند کرد و هم آمریکا دیگر نمی‌تواند «نه» بگوید همانطور که در مساله روسیه تا کنون دهانش از تعجب باز و متحیر است و باید انتظار داشت که واقعاً بر باز کردن تنگه بسیار پافشاری کند. ثبات واقعی در خلیج فارس مستلزم از بین بردن توانایی ایران برای تهدید تجارت جهانی، اعمال فشار بر همسایگان و گروگان گرفتن بازارهای انرژی است. هر چیزی کمتر از این، تنها یک وقفه پیش از رویارویی بسیار خطرناک‌تر بعدی خواهد بود.

فناوری شناختی در دستکاری ادراک مخاطبان

پیتر بنزونی^۱ نویسنده مقاله معتبر مؤسسه راهبردی فارن پالسی از جنگ شناختی ایران در تاریخ

1. Peter Benzon



۱۸ مه ۲۰۲۶ (۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵) این بود که ایران در حال پیروزی در جنگ تبلیغات با (هوش مصنوعی، لگو، شیت‌پست) در روایتگری است». و پس از فاجعه و جنایت جنگی میناب سفارت ایران در ارمنستان خطاب به سخنگوی کاخ سفید: گفت به شما تبریک می‌گویم کودکان معصوم و دوست‌داشتنی هستند. کشور شما ۱۶۸ کودکی که در مدرسه میناب بود را به قتل رساند و تو توجیه کردی، آنها هم کودک بودند. وقتی فرزندت را می‌بوسی، به مادران آن کودکان فکر کن.^۱ و یا سفارت ایران در آفریقای جنوبی به اظهارات ترامپ درباره کنترل مشترک تنگه هرمز با یک «شیت‌پست» پاسخ داد (عکس داشبورد ماشین با فرمان اسباب‌بازی صورتی و آبی و تحلیل این مؤسسه راهبردی این است که در ۵۰ روز، حساب‌های دیپلماتیک ایران تقریباً یک میلیارد بازدید (۱۴ برابر دوره قبل از جنگ) کسب کردند این روایتگری برنده بازی است و موثرترین قطعه پروپاگاندا: ویدیوی لگو «روایت پیروزی» ترامپ لگویی وحشت‌زده، نتانیاهو لگویی، شیطان، حمله به مدرسه دخترانه در میناب بود و یا ده‌ها ویدیوی لگویی دیگر با محتوای هوش مصنوعی همانند ویدیوی عیسی که ترامپ را به آتش می‌زند (۲۴.۱ میلیون بازدید) و ترامپ هوش مصنوعی که «محاصره، محاصره» می‌خواهد (۸.۸ میلیون بازدید) را به خود اختصاص دادند و کاخ سفید نیز محتوای مشابه تولید می‌کند اما «هیچکدام تأثیرگذار نبود. این نوع پروپاگاندا تبلیغاتی بهترین عملکرد را داشت (Benzoni, P. 2026, 18)

بر اساس تحلیل مقاله «فارین پالیسی»، موفقیت پروپاگاندا ایران در «جنگ حال و هوا» نه به دلیل باورپذیری، بلکه به دلیل قالب‌های انیمیشن لگویی، موسیقی ترپ و شیت‌پوستینگ است که گارد ذهنی مخاطب را باز می‌کند. این محتواها هیچ ادعای راستی‌آزمایی‌پذیری ندارند تا ابزارهای سنتی ضداطلاعات در برابرشان ناکارآمد باشند. ایران از جایگاه «مبارزه با قدرت بزرگتر» (Punching up) و بهره‌گیری از ضدیت از پیش موجود با آمریکا استفاده می‌کند، در حالی که خود آمریکا به عنوان بمب‌افکن، در همین بازی شکست می‌خورد. در نهایت، هدف این پروپاگاندا نه تنها تغییر «باور» است، بلکه القای حس مشترک و جلب توجه مخاطبی است که از قبل آماده پذیرش کنایه و پوچی قدرتهای بزرگ هستند. این پروپاگاندا هرگز نمی‌خواست که باور شود، بلکه می‌خواست حس شود که شد و ابزارهای سنتی ضداطلاعات برای دیدن این پدیده طراحی نشده

1. •IRI Embassy in Armenia to White House spokesperson: When you kiss your baby, think of the mothers of those 168 children in Minab: <https://x.com/iraninerevan/status/2053139295037227035>



است و در جنگ روایت‌ها چون ما در عصر تولید انبوهی از محتوای بی کیفیت که با هوش مصنوعی تولید می‌شدند و به عبارت دیگر آشغال هوش مصنوعی بودیم باز ایران^۱ در جنگ رقابت احساسی و اجتماعی^۲ پیروز میدان شد. (Benzoni, P. 2026, 18) و این نشان دهنده پیروزی ایران در تولید محتوا از طریق هوش مصنوعی بود.

روش‌شناسی تحقیق

این مقاله از نوع کاربردی- توسعه‌ای بوده و با استفاده از رویکرد آمیخته (ترکیبی از روش کمی و کیفی) انجام گرفته است و پژوهش حاضر دارای روش توصیفی- تحلیلی است و هدف آن اکتشاف ابعاد و مؤلفه شاخص‌های اصلی تغییر پارادایم جنگ‌های مدرن و تأثیرات امنیتی و اقتصادی جنگ‌های اخیر بر خاورمیانه است؛ و برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش استفاده شده است. همان گونه که کرسول و پلانو کلارک (۲۰۱۸) بیان کرده‌اند، روش تحقیق آمیخته زمانی مؤثر است که پژوهشگر بخواهد از نقاط قوت داده‌های عددی و نیز دیدگاه‌های شرکت کنندگان بهره ببرد، تا بتواند تحلیل عمیق‌تری ارائه دهد و اعتبار نتایج را افزایش دهد.

در نهایت روش‌های گردآوری داده‌ها در این تحقیق شامل دو بخش اصلی زیر بوده است: روش کتابخانه تخصصی: در این روش از کتاب‌ها و مقاله‌های علمی، آرشیو سراچه‌های اطلاعاتی موجود و مرتبط به ویژه در بخش ادبیات تحقیق استفاده شده است. روش میدانی: در این روش، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، تکمیل پرسشنامه از نمونه آماری بوده است.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تحلیل توصیفی داده‌ها و تعیین میزان مطلوبیت مؤلفه‌ها جامعه آماری این پژوهش شامل ۴۰ نفر بود که همگی از دانشجویان و دانش‌آموختگان مقطع دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی (داعا) و خبرگان علمی- تخصصی آگاه به مسایل راهبردی بودند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند بود. روشی غیر تصادفی که در تحقیقات آمیخته برای انتخاب افرادی با ویژگی‌ها و تجربیات مرتبط با موضوع پژوهش به کار می‌رود (تاشاکوری و تدلی، ۲۰۱۰).

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای شامل سؤالات بسته با مقیاس لیکرت برای تحلیل آماری

1. AI Slop

2. Vibe War



می‌شد. پرسش‌نامه برای هر ۴۰ نفر ارسال شد که در نهایت ۴۰ نفر به آن پاسخ دادند.

سپس مولفه‌های اصلی که در این زمینه از ادبیات تحقیق جمع‌آوری و با تعیین میانگین وزنی طبقه‌بندی گردید. به دنبال استخراج این مفاهیم شاخص‌ها نیز مشخص شدند، ارتباط مهم‌ترین مؤلفه‌های بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت رتبه‌بندی و بر اساس آن میزان مطلوبیت از طریق رتبه‌بندی فریدمن به شرح جدول محاسبه گردید؛ همان‌طور که در جدول آمده تمام مؤلفه در محدوده مطلوب قرار دارند. هم‌چنین با توجه به وزن کلی هر مؤلفه و میانگین وزنی محاسبه شده و با استفاده از آزمون فریدمن رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و عوامل اصلی در تغییر پارادایم جنگ‌های مدرن مشخص گردید که مؤلفه «ابزارهای نوین جنگی» با میانگین رتبه ۳٫۲۵ در بین ۵ مؤلفه رتبه اول را کسب کرده و مؤلفه «مدیریت بحران» با میانگین رتبه ۳٫۲۴ در بین ۵ مؤلفه، رتبه آخر را کسب نموده است.

روایی و پایایی داده‌ها: پس از دسته‌بندی و درج نقطه نظرات اساتید مشاور و خبرگان پرسشنامه تنظیم و توزیع شد. لازم به توضیح است که گویه‌های بکار رفته جهت سنجش مولفه‌های پرسشنامه از میان ادبیات حاصله استخراج و در مرحله روایی سنجی، (روایی صوری) مورد تایید خبرگان قرار گرفت. سپس از طریق ضریب لاوشه روایی محتوایی پرسشنامه با عدد (۰/۸) تایید شد. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۲ محاسبه شد. هم‌چنین به منظور تعیین روایی و صحت اطمینان از ارتباط بین ابعاد اصلی (۶ بعد) در تغییر پارادایم جنگ‌های مدرن و شاخص مرتبط، از سوی خبرگان به تایید رسید. برای آزمون پایایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ به شرح فرمول زیر استفاده شد. در نهایت ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۳، عدد ۰/۸۲۸، بدست آمد که با توجه به بزرگتر بودن این عدد نسبت به ۰/۷۵، پایایی پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت.

$$\alpha = \left(\frac{K}{K-1} \right) \left(1 - \frac{\sum S_i^2}{S_t^2} \right)$$

بر اساس آن میزان مطلوبیت ابعاد (۶ بعد) مورد بررسی در محدوده مطلوب قرار داشتند. هم‌چنین با توجه به وزن کلی هر بعد و میانگین وزنی محاسبه شده و با توجه به این که میانگین اوزان عدد ۳ است، ابعادی که میانگین وزنی کمتر از این مقدار کسب کرده باشند، باید حذف شوند، ولی چنین موردی مشاهده نگردید و لذا کلیه ابعاد پذیرفته شدند.^۱

۱. به دلیل محدودیت در تعداد صفحات مقاله، از آوردن شاخص‌ها در متن مقاله، اجتناب شده و محقق آنها را انتهای مقاله پس از منابع آورده است نموده است.



جدول-۱: ابعاد راهبردی شناسایی شده در کاهش تهدیدات متخاصمان و تغییر در پارادایم

جنگ‌های مدرن

مؤلفه ها	مؤلفه	خیلی زیاد	زیاد	نه چندان زیاد	کم	خیلی کم	وزن کلی	میانگین وزنی	رتبه‌بندی فرایند من
کارت متوازن کننده تنگه هرمز	M۱	۲۳	۱۴	۲	۱	۰	۱۷۹	۴,۴۸	۳,۲۵
دفاع موزاییکی و نامتقارن	M۲	۲۴	۱۲	۲	۱	۱	۱۷۷	۴,۴۳	۳,۲۴
فناوری شناختی	M۳	۱۸	۱۹	۳	۰	۰	۱۷۵	۴,۳۸	۲,۹۴
تقویت و هماهنگی با محور مقاومت در اقدامات اخیر	M۴	۱۶	۲۰	۴	۰	۰	۱۷۲	۴,۳۰	۲,۸۸
تقویت سامانه‌های پدافندی و دفاع هوشمند	M۵	۱۸	۱۶	۴	۱	۱	۱۶۷	۴,۱۸	۲,۷۰
دیپلماسی منطقه‌ای فعال با چین و روسیه	M۶	۱۶	۱۴	۶	۳	۱	۱۵۸	۳,۹۵	۲,۶۸

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دفاع مقدس ایران در سال ۲۰۲۶، از منظر تحولات نظامی و امنیتی، نقطه عطفی مهم در تاریخ معاصر خاورمیانه و پارادایم جدید جنگ‌های مدرن به شمار می‌آید. این درگیری نه تنها از حیث نظامی، بلکه از منظر ساختاری و راهبردی، انتقالی اساسی از الگوهای سنتی جنگ به شکل‌های چندوجهی، دیجیتال و سایبری را به تصویر کشید. یافته‌های این تحقیق به روشنی می‌بین آن است که این جنگ نمادی از تحولات بنیادینی در ماهیت و ابزارهای درگیری‌های نظامی است که تا امروز



اتفاق افتاده است؛ جنگ‌ها دیگر محدود به میدان‌های نبرد فیزیکی نیستند و با نفوذ فناوری‌های پیشرفته، فضای مجازی، عملیات شناختی و نبرد اطلاعاتی به شدت پیچیده و چندلایه شده‌اند. این جنگ به وضوح این تغییرات را در استفاده گسترده ایران از موشک‌های بالستیک و بسته‌شدن تنگه هرمز و محور مقاومت دریایی به عنوان اهرم فشار بر امنیت انرژی جهانی نشان داد و استفاده از ابزارها و فناوری‌های نوین به کاررفته در این جنگ، همچون پهپادهای رزمی و شناسایی، جنگ الکترونیک، حملات سایبری هدفمند و عملیات اطلاعاتی پیچیده، تأثیر عمیقی بر روند و نتیجه درگیری‌ها داشتند. این ابزارها نه تنها توان نظامی مستقیم را ارتقاء دادند بلکه توانستند به شکلی هوشمندانه بر روند و روان افکار عمومی، سیاسی و ساختار امنیتی منطقه تأثیر بگذارند. این امر نشان می‌دهد که جنگ‌های آینده نه تنها متکی بر تقابل نظامی صرفاً سخت‌افزاری و دورایستا نیست، بلکه به نبردهای شناختی و اطلاعاتی مغزافزاری متکی خواهند بود که در آن برتری در نوآوری، نامتقارن عمل کردن، مدیریت هوشمندانه افکار عمومی می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

جنگ ایران و آمریکا به بن‌بستی راهبردی رسیده که در آن متخاصمان نتوانستند تهران را تسلیم کنند و نه نتوانستند اهرم تنگه هرمز و هزینه اقتصاد جهانی را کنترل کنند، و اکنون به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه و دیپلماسی پاکستانی هستند و اختلاف جدید دیگری بر سر «تقدم هسته‌ای یا تقدم تنگه‌ای» نیز به آن اضافه شد. کشورهای عربی خلیج فارس -از ریاض گرفته تا ابوظبی- را در پس‌اچنگ ترکیبی در حال‌ای از ابهام و ترس میان انتقام ایران و بی‌اعتمادی به چتر امنیتی آمریکا سرگردان کرده است. سرانجام، این جنگ نه با انفجار بمب، بلکه با فرسایش تدریجی «قدرت نرم دلار و بیمه» و تغییر معماری امنیت منطقه به دست بازیگرانی فراتر از خاورمیانه رقم خواهد خورد.

هرچند که تغییر پارادایم واضح است و در شرایط کنونی برای سلب اراده تهدیدات متخاصمان به واکاوی ابعاد بازدارندگی ایران بایستی پرداخت اما باید اذعان داشت که ایران به صریح‌ترین شکل ممکن، محدودیت‌های بازدارندگی آمریکا را به عنوان یک سپر محافظ برای شرکای خلیج‌فارسی خود آشکار کرد. برای کشوری که تحت دهه‌ها تحریم با بودجه دفاعی که کسری از آن چیزی است که ایالات متحده در یک سال در منطقه هزینه می‌کند، کار می‌کند، این یک شکست متعارف نیست. این نمایش از تاب‌آوری راهبردی است که همسایگان ایران فراموش نخواهند کرد. دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس با حقیقتی به همان اندازه ناخوشایند درباره خود مواجه



هستند. علیرغم صدها میلیارد هزینه برای سیستم‌های تسلیحاتی آمریکا، آنها نتوانستند به طور کامل از زیرساخت‌های غیرنظامی خود محافظت کنند.

اکنون ترامپ خواستار خروج است و حاضر است برای دستیابی به این هدف، هر خفتی را بپذیرد؛ و به نظر می‌رسد این وضعیت همچنان پابرجاست. از منظر نظامی و نسخه تجویزی، ترامپ بازنده است؛ چرا که نتوانست اراده‌ی خود را به دشمن تحمیل کند. اما نباید گذاشت که ایالات متحده فضای کافی برای عقب‌نشینی پیدا کند تا «بگذار شکست خود را جبران کند». در مسئله‌ی حیاتی هسته‌ای ایران نیز، پاسخ نهایی یک توافق جدید نیست، بلکه اطمینان از خنثی ماندن آمریکا و پایگاه‌های آن در منطقه ایران است.

ترکیب «دفاع موزاییکی» نامتقارن، و اهرم ژئواکونومیک تنگه‌هرمز و جنگ شناختی مبتنی بر هوش مصنوعی، معماری تاب‌آوری بی‌سابقه‌ای برای ایران ساخت. تحلیلگر رژیم صهیونیستی ی سیتزینویچ اذعان می‌کند که «فاصله عمیقی میان آسیب عملیاتی و تسلیم راهبردی وجود دارد» و رهبران ایران باور ندارند تهدیدها بتوانند حکومت را وادار به تسلیم کنند. کارت تنگه‌هرمز همانند «سلاح هسته‌ای» عمل می‌کند و حتی سازمان فائو درباره بحران مواد غذایی ناشی از بسته شدن آن هشدار داده است. در میدان، محور مقاومت با تاکتیک‌های جدید مانند پهپادهای فیبر نوری حزب‌الله، گنبد آهنین را به چالش کشیده و جنگ فرسایشی را با «بازدارندگی توزیع‌شده» ادامه می‌دهد. در سطح دیپلماتیک، چین و روسیه پشتوانه راهبردی ایران قرار گرفته و تحریم‌های آمریکا را بی‌اثر کرده‌اند.

و از سوی دیگر، فاجعه‌ی محتمل بعدی، تقابل چین و تایوان است. در همین ماه که ترامپ به چین سفر کرد، شی جین‌پینگ دور دیگری از پاکسازی ژنرال‌های ارشد را آغاز کرد؛ و گویا وی دریافته است که خوشبینی و فرصت‌طلبی، در رده‌های بالای ارتش آفتی درمان‌ناپذیر است که این چرخش مشاغل در نیروهای مسلح ایران نیز بسیار ضروری است.

و با توجه به اینکه ایالات متحده برای بازگرداندن طیفی از سامانه‌های تسلیحاتی حیاتی به سطوح قبل از جنگ، پس از کارزار ۴۰ روزه و بمباران علیه ایران، حداقل به سه سال زمان برای جبران کاهش ذخایر نیاز خواهد داشت^۱ لذا یک پنجره آسیب‌پذیری جدید و بالقوه درگیری در

1. US munitions depleted by Iran war will take years to restore, analysis finds. By Tanya Noury

<https://www.militarytimes.com/news/pentagon-congress/2026/05/27/us-munitions-depleted-by-iran-war-will-take-years-to-restore-analysis-finds/> (May 27, 2026)



غرب اقیانوس آرام برای امریکا حتماً ایجاد خواهد شد بنابراین زمان مورد نیاز برای بازسازی بهترین فرصت برای رفع نگرانی تهدیدات و تمهیدات بزرگ برای ایران است.

مهم‌ترین پیشرفت، پیروزی ایران در «جنگ شناختی و روایتگری است که بنزونی آن را مستند کرده: قالب‌های لگویی و شیت‌پوستینگ با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، بدون نیاز به باورپذیری، حس ضدآمریکایی را در مخاطب جهانی تقویت کرده و ابزارهای سنتی ضداطلاعات را کاملاً بی‌کاربرد و واشنگتن را فاقد راهبرد جایگزین عملی کرد و تهدیدهای مکرر ترامپ بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، در ماندگی در تبدیل فشار به نتیجه راهبردی را نشان داد و ایران ثابت کرده که با تلفیق «بازدارندگی توزیع‌شده»، «هرم تنگه هرمز» و «روایتگری هوشمندانه» می‌تواند بدون تسلیم، از بحران عبور کند و حتی دست بالا را حفظ نماید. و نهایتاً در این مقاله مولف با ارایه ۶ بعد موثر و اصلی در بازدارندگی مبتنی بر استفاده از دفاع موزاییکی و نامتقارن، دیپلماسی منطقه‌ای فعال با چین و روسیه، تقویت سامانه‌های پدافندی و دفاع هوشمند، تقویت و هاهنگی با محور مقاومت، کارت متوازن کننده تنگه هرمز و فناوری شناختی مهم‌ترین ابعاد راهبردی و تغییر پارادایم را با ابزار حوزه فناوریهای نوین جنگی یعنی استفاده از موشک سوخت جامد، پهپادها، قایق‌های بدون سرنشین، مین‌های دریایی، شهپادها، جنگ سایبری، سامانه‌های هوشمند پدافندی تبیین کرد و مشخص شد که علیرغم علیرغم آسیب‌پذیری‌های تاکتیکی، ایران می‌تواند با بهره‌گیری از راهبردهای مذکور بازدارندگی توزیع‌شده همه جانبه را ایجاد کند و نتیجه جنگ را تغییر دهد نتایج این تحقیق علاوه بر نشان دادن ۶ بعد کلیدی مذکور مندرج در جدول یک به سیاست‌گذاران و پژوهشگران کمک کند تا راهکارهای مناسبی را برای مدیریت چالش‌های جدید ارایه دهد. آگاه واشنگتن به دنبال صلح پایدار باشد، بلکه به دنبال دستی آزاد برای حفظ ایران در انزوا و ضعف، و مهار فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی آن با «علف‌زنی یا چمن زنی دوره‌ای» است. در مواجهه با چنین چشم‌اندازی، تنها بازدارندگی اهمیت دارد.

اگرچه در زمان نگارش این مقاله درگیری‌ها همچنان ادامه دارد، اما مذاکراتی برای اتمام جنگ با در حال انجام است. قضاوت نهایی در مورد جنگ به توافق نهایی بستگی دارد، اما چه درس‌های اولیه‌ای می‌توان آموخت؟ البته ممکن است در مورد مسائل تاکتیکی، لجستیکی و فناوریانه مانند پهپادها، موشک‌ها، قدرت هوایی و اطلاعاتی صحبت شود. اما در اینجا هفت درس آموخته راهبردی و سیاسی ارائه می‌شود:

۱. جنگ‌های محدود عموماً به اهداف محدود دست می‌یابند. حملات متفقین توسط ایالات



متحد و رژیم صهیونیستی خسارات بسیار زیادی به قدرت سیاسی، نظامی و صنعتی-نظامی ایران وارد کرد، اما ضربه‌ای نهایی و تمام کننده را به دلیل دفاع موزاییکی نتوانست تحمیل کند.

۲. حکومت‌های انقلابی می‌توانند خسارات عظیمی را متحمل شوند اما تسلیم نشوند. ویتنام پس از بمباران نیکسون عقب‌نشینی کرد ولی بازگشت و جنگ را پیروز شد. آلمان نازی حتی با حضور متفقین غربی بر روی رود راین و ارتش سرخ در دروازه‌های برلین تسلیم نشد. بنابراین جای تعجب نیست که جمهوری اسلامی علیرغم تحمل ضربات سنگین، همچنان پابرجاست. اما با بازدارندگی ایجاد شده و با کمک، مردم ایران کار را به پایان خواهند رساند و در آینده‌ای نه چندان دور رژیم صهیونیستی را سرنگون خواهد کرد.

۳. جنگ‌ها همیشه قابل پیش بینی نیستند و انتظارات را گاهی نادیده می‌گیرند. باور پیش از جنگ این بود که ایران کنترل تنگه هرمز را به عنوان آخرین برگ برنده خود در ذخیره نگه می‌دارد. در عوض، ایران بلافاصله پس از شروع خصومت‌ها در ۲۸ فوریه، تنگه هرمز را بست و چهار روز بعد رسماً اعلام بسته شدن آن را اعلام کرد. پیش از جنگ، به نظر می‌رسید رژیم صهیونیستی هدف اصلی ایران باشد، اما در عوض امارات متحده عربی تبدیل به آن هدف شد. چین و روسیه اطلاعات خود را در اختیار ایران قرار دادند. هند نمی‌توانست از ظهور رقیب خود، پاکستان، به عنوان میانجی خوشحال باشد، اما چین، دوست پاکستان، مطمئناً ناراضی نبود. نقاط ضعف واقعی در اتحادهای آمریکا با اروپا آشکار شد. ایالات متحده حمایت چندانی از متحدان خود در نه تنها در رابطه با ناتو بلکه در منطقه آسیا و خلیج فارس هم نکرد.

۵. جنگ واقعی صرفاً نظامی نبود بلکه اقتصادی نیز بود. محاصره بنادر ایران توسط آمریکا در حال خفه کردن اقتصاد ایران است. جای تعجب نیست که ایران پای میز مذاکره آمده است. در همین حال، بستن تنگه هرمز توسط ایران به اقتصاد جهانی آسیب می‌زند و بزرگترین اختلال در عرضه انرژی در دهه‌های اخیر را ایجاد می‌کند. حتی اگر آمریکا از نظر انرژی خود کفا باشد، بخشی از اقتصاد جهانی است. آمریکایی‌ها هنوز به نقطه خود کفایی مطلق نرسیده‌اند و هرگز نخواهند رسید،

۶. این جنگ جنگ شناختی و افکار سنجی و دل‌های مردم دنیا را هدف گرفته بود. نظرسنجی‌ها نشان داد که حتی ۴۰ تا ۶۰ درصد مردم آمریکا با جنگ مخالف هستند. رسانه‌های اجتماعی در حال تبدیل شدن به ابزاری خطرناک برای جنگ اطلاعاتی شدند که برخی از آن



منابع و نقدهای خارجی حتی از دشمن به دست رسید. در همین حال، رئیس‌جمهور خبیث آمریکا هنوز هم نتوانسته است آنطور که باید، توضیح مؤثری در مورد اینکه چرا می‌جنگد به دنیا ارائه دهد. ۷. با این وجود، رهبری شجاع و دلسوز عامل مرکزی در این درگیری شد و نهایتاً شهید شد. هیچ رئیس‌جمهور یا رهبری دیگری مانند او نمی‌توانست ایران را متحد کند و در مقابل حمله متفقین متخاصم متحد کند، اخلاق چیزی که ادوارد لوتواک «جنگ‌های پسا-قهرمانانه» می‌نامد، در بخش‌های زیادی از فرهنگ ایرانی به نمایش درآمد. و کاستی‌های اخلاقی غرب به ویژه رژیم جنایتکار و صهیونیستی و آمریکا را با تمام کاستی‌هایشان نشان داد و دموکراسی آمریکایی را بهتر رسوا کرد



فهرست منابع

- ۱- عین القضاتی علیرضا (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر در ایجاد جامعه سبز و هوشمند با تاکید بر علوم و فناوری های نوین همگرا، در فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات بین رشته ای سال ۸، شماره ۳۲، پاییز.
- ۲- عین القضاتی علیرضا (۱۴۰۴). تغییر پارادایم، ماهیت و ابزار جنگ های اخیر (۱۲ روز درس از جنگ بین ایران و رژیم صهیونیستی) و استراتژیهای برون رفت در فصلنامه علمی-مطالعات دفاع مقدس، شماره، زمستان.
1. Noury, Tanya. (2026, May 27). US munitions depleted by Iran war will take years to restore, analysis finds. *Military Times*.
<https://www.militarytimes.com/news/pentagon-congress/2026/05/27/us-munitions-depleted-by-iran-war-will-take-years-to-restore-analysis-finds/>
2. Einolghozati, A.R (2026). Iran's Proxy Model Destruction & Exit Strategies. Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard University & DA'A Foreign Languages Center. [No URL]
3. Elena Teslova / Anadolu Agency. (2026). Lavrov meets Iranian, Brazilian counterparts at BRICS summit in New Delhi. AA.com.tr. <https://www.aa.com.tr/en/politics/lavrov-meets-iranian-brazilian-counterparts-at-brics-summit-in-new-delhi/3937902>
4. Magnier, E.J. (2026). Netanyahu's 16-Year Iran Promise Has Collapsed Into a War Without a Clear Exit. X. <https://x.com/i/status/2057316746646716612>
5. Pager, T., & Schmitt, E. (2026). Trump Says He Authorized New Strikes on Iran, but Has Decided to Hold Off. The New York Times.
<https://www.nytimes.com/2026/05/18/us/politics/trump-iran-strikes.html>
6. Harel, A. (2026). Tehran's Refusal to Admit Defeat May Push Trump to Renew Strikes on Iran. Haaretz.
<https://www.haaretz.com/middle-east-news/iran/2026-05-03/ty-article/.premium/tehrans-refusal-to-admit-defeat-may-push-trump-to-renew-strikes-on-iran/0000019d-ea55-d4e1-a1dd-ea5d36b80000>



7. Reuters/Ipsos. (2026). Reuters/Ipsos poll: 74% of Americans say cost of living on wrong track / 73% disapprove of Trump's handling. Reuters/Ipsos. <https://www.ipsos.com/en-us/americas-frustration-cost-living-continues-rise>
8. CBS News. (2026). UN FAO warns: Hormuz blockage could trigger severe global food price crisis. CBS News. <https://www.cbsnews.com/live-updates/iran-war-trump-irgc-threatens-attacks-beyond-region>
9. Citrinowicz, D. (2026). Why more military pressure won't force Iran to surrender. X. <https://x.com/i/status/2056087827364876470>
10. Magnier, E. J. (2026). Netanyahu's 16-year Iran promise has collapsed into a war without a clear exit. X. <https://x.com/i/status/2057316746646716612>
11. Zaken, D. (2026). Trump gives Iran another chance after heated White House clash with Vance. Israel Hayom. <https://www.israelhayom.com/202620/05//trump-gives-iran-another-chance-after-heated-white-house-clash-with-vance>
12. Khan, A. F. (2025). The end of proximity warfare: Lessons from the Iran-Israel war. Breaking Defense.
13. Mahmoudian, A. (2025). Iran Israel conflict: A new stage emerges. Global and National Security Institute.
14. Savelsberg, R. (2025). If Iran blocks the Strait of Hormuz, these are the ballistic missiles it will use. Breaking Defense.
15. O'Connor, T. (2025, July 29). How Israel could exploit Iran's ethnic division to wage war from within. Newsweek.
16. O'Connor, T. (2025, July 19). Iran pivots from Russia to China in quest for new weapons after Israel war. Newsweek.
17. Eisenstadt, M. (2025, July 23). After the bombing: Iran's nuclear options. The Washington Institute.
18. Ibrahimov, S. (2025, July 29). Iran's Zangezur deadlock: Strategic concerns without military options. Middle East Monitor.



19. Izvestia. (2025, July 29). Peskov called Iran, China and North Korea Russia's allies and partners.
20. Hird, K. (2025). Iran's fragile alliances: The limits of the Russia–China–North Korea axis.
21. Raine, J. (2025). The Iran–Israel war and the resilience of the Islamic Republic.
22. Kahl, C. H., Dalton, M. G., & Irvine, M. (2025, August 1). Risk and rivalry: Iran, Israel, and the bomb. Center for a New American Security.
23. Israel Defense & Security Forum. (2025, June 13). Operation “Rising Lion” | Security snapshot.
24. Toossi, S. (2025, August 21). Four scenarios for war — and peace — with Iran. Responsible Statecraft.
25. Dzulhisham, H. E. (2025, July 2). The Iran-Israel conflict: Geopolitical implications for the Middle East (RSIS Commentary No. 146). S. Rajaratnam School of International Studies. <https://www.rsis.edu.sg>
26. Daalder, I. (2026, May 26). America's way of war isn't working. Politico. <https://www.politico.eu/article/america-us-donald-trump-way-of-war-isnt-working/>
27. Gordon, C. (2025). Strike on Iran: 15 years of covert planning – The inside story of Operation Midnight Hammer.
28. Ali, Z., Kousar, F., & Ahmed, S. (2025). The Israel Iran conflict: Shaping new regional dynamics in the Middle East.
29. Melman, Y., & Raviv, D. (2025). Israel secretly recruited Iranian dissidents to attack their country from within. ProPublica.
30. Nasr, V. (2026): Why Iran is reluctant to sign MoU / Deterrence is all that matters. (Financial Times / X)
https://x.com/vali_nasr/status/2060406669281026324